

اعلام جرم علیه آقای هاشمی رفسنجانی

به دادسرای تهران

دادسرای محترم شهرستان تهران

احتراماً به استحضار می‌رساند که حجت‌الاسلام آقای اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی در دیدار با معاونین سیاسی وزارت کشور در تاریخ ۶۳/۱۱/۹ ضمن طرح مجدد اتهامات ناروای تبلیغاتی سال‌های ۱۳۶۰ و مطالب خلاف واقع متضمن افترا و توهین و اشاعه اکاذیب از جمله می‌گویند:

«الحمد لله جمهوری اسلامی ایران تاکنون مشکل سیاسی عمده‌ای در داخل ندارد... در آن زمان (آغاز پیروزی انقلاب اسلامی) مخالفان جمهوری اسلامی حتی با اسم اسلام در کنار جمهوری مخالف بودند و حتی برخی از منصوبین به کارهای اجرائی از طرف امام نیز این عقیده را داشتند که اسم اسلام حذف شود و به جای آن «دموکراتیک» گذاشته شود. جریان‌های مختلف و گروهک‌ها هر کدام برای خود در مقابل مردم ادعاهائی داشتند و خود را از شرکای مهم انقلاب می‌پنداشتند... بعدها معلوم شد که اینها همگی متکی به اجانب هستند... ملی‌گراها و لیبرال‌ها که طیف وسیعی بودند سر در آخور غرب داشتند. اینها اصولاً به دیگران و به نیروهای انقلابی سهمی در اداره کشور نمی‌دادند. در اولین کابینه آنها ما تنها توانستیم دو پست غیرحساس را به آنها تحمیل کنیم... نهادهای جوشیده از بطن انقلاب از قبیل کمیته‌ها، دادگاه‌های انقلاب، جهاد سازندگی و سپاه... که دلسوزانه سرگرم جبران کمبودها بودند از نظر لیبرال‌ها به عنوان «دولت در دولت» و «انگل» و غیره معرفی می‌شدند... مجموعه این حوادث برای ما بسیار عبرت‌انگیز است ما هرچه جلوتر آمدیم، روزه‌روز نظام اسلامی را قوی‌تر و با ثبات‌تر دیدیم. ما با کسانی درگیر بودیم که فقه اسلام و اقتصاد فقهائی را قبول نداشتند. وقتی مسئله ولایت فقیه در مجلس خبرگان مطرح شد، آنها تصمیم گرفتند به هر نحو شده مجلس خبرگان را منحل کنند. در مجلس شورای اسلامی نیز شعار «کی باید برود» را مطرح کردند و سعی نمودند با نامشروع جلوه دادن مجلس آن را منحل نمایند. خیانت‌های این لیبرال‌ها در کردستان همیشه در صفحات تاریخ خواهد ماند. آنها با طرح تشکیل هیات حسن نیت ایجادکننده فتنه و آشوب بودند. یادم هست که ما نیز همراه هیات مذکور برای خاموش کردن فتنه به کردستان رفتیم مرحوم قره‌نی که آدم قاطعی بود برای خالی کردن دل مزدوران بیگانه‌پرست و نشان دادن قدرت جمهوری اسلامی با فانتوم‌ها مانورهای در آن منطقه اجرا کرد. لیبرال‌ها از این کار ناراحت شدند و بلافاصله پس از برگشتن به تهران سپهبد قره‌نی را عزل، بعد هم برای جبران این قاطعیت با کمال تعجب دیدیم که یک استاندار توده‌ای را در جایی منصوب کردند که کمونیست‌ها و چپی‌ها در آنجا برای راضی کردن اربابانشان آشوب و خونریزی به پا کرده بودند. همه این گروهک‌ها و جریان‌ات غیرصالح در آن فضای سیاسی و هرج و مرج خود را نشان دادند و رسوا گشتند. لیبرال‌ها که مدعی تخصص و کارشناسی

در امور مملکت بودند بدترین نوع مدیریت را در اداره مملکت به نمایش گذارند و دولت موقت بدون آنکه کسی از او بخواهد استعفا نمود. در واقع حرکت به موقع دانشجویان پیرو خط امام آنها را وادار به این عکس العمل کرد... مورد دیگر (کارشکنی در نهادهای جمهوری اسلامی) صدا و سیماست... در دانشگاه نیز از اینکه استادان و دانشجویان فعال می‌شوند و محیط فرهنگی جذابی را پایه‌گذاری می‌کنند، نگران می‌شوند و همچنین از حل مشکلات اقتصادی بیمناک هستند... بعضی از انسان‌های متدین اما ساده‌لوح هم دنبال حرف اینها را می‌گیرند و گاهی هم یک نماینده ساده‌لوح مجلس نیز ناآگاهانه کمک به آن جریان می‌کند... این جریان‌ها ممکن است به اسم اسلام... وارد میدان شوند من به مجلس، دولت، روزنامه‌ها، سازمان‌های اطلاعاتی، کمیته و سپاه توصیه می‌کنم که کارشکنی‌هایی را که در کارها ایجاد می‌شود ساده برگزار نکنید... اینها در زیر زمین فعال شده‌اند. من از کارهای اینها مثال دیگری برای شما بگویم مثلاً یک دفعه می‌بینید که سیل نامه‌ها از هر طرف به سوی بیت امام و دفاتر مسئولین رده اول کشور و سازمان‌های دیگر راه می‌افتد... همه ارگان‌های مسئول مخصوصاً وزارت کشور مسئول مبارزه با این کارشکنی‌ها و مزاحمت‌ها هستند».

اظهارات فوق در کلیه جراید یومیه مورخه ۶۳/۱۱/۱۰ و صدای جمهوری اسلامی به طور کامل منتشر شده است (نسخه‌ای پیوست است)

با وجودیکه آقای هاشمی رفسنجانی خودشان از نهضت آزادی ایران صریحاً نامی نبرده‌اند اما تلویحاً بخشی از مطالب خطاب به جناب آقای مهندس بازرگان دبیر کل نهضت آزادی ایران و سران و بعضی از اعضای نهضت آزادی می‌باشد. زیرا موقعی که ایشان اشاره به:

«منصوبین به کارهای اجرائی از طرف امام «در آغاز پیروزی انقلاب» و در اولین کابینه آنها»؛

و بیانیه «کی باید برود» که در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲ با امضای نهضت آزادی ایران منتشر شده است؛

(نسخه‌ای پیوست است)

و «هیات حسن نیت» مامور از سوی دولت موقت و شورای انقلاب و رهبر انقلاب در کردستان و

«مرحوم قره‌نی» رئیس ستاد دولت موقت؛

و استاندار کردستان «منصوب دولت موقت»؛

و «دولت موقت بدون آنکه کسی از او بخواهد استعفا نمود»؛

می‌کنند و نظر به اینکه تنها سازمان سیاسی قانونی فعال مخالف حاکمیت کنونی در داخل کشور «نهضت آزادی ایران» می‌باشد لذا بخشی از سخنان ایشان اتهام به این سازمان می‌باشد.

آقای هاشمی رفسنجانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران برای مقابله و خنثی ساختن اقداماتی که «نهضت آزادی ایران» در چهارچوب قانون و بنا بر وظیفه خطیر ملی و اسلامی در شرایط حساس کنونی مملکت و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر با وجود تمامی محدودیت‌ها به عمل می‌آورد. در سخنان خود با قلب و تحریف واقعیت‌های حوادث سال‌های گذشته و حتی تکذیب اظهارات و مدافعات سابق خودشان اتهامات ناروایی را به سران و اعضای نهضت آزادی وارد ساخته‌اند که نه تنها شامل افتراء، توهین و اشاعه اکاذیب علیه آنان می‌باشد بلکه با این عمل، رهبری و

اصالت انقلاب اسلامی را زیر سؤال برده و موجبات تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازند.

ما در این شکوائیه علیه آقای هاشمی رفسنجانی به آن گونه از سخنان ایشان که ذیلاً نقل می‌شود کاری نداریم:

«جمهوری اسلامی ایران اکنون مشکل سیاسی عمده‌ای ندارد» و «روزبه‌روز نظام جمهوری اسلامی را قوی‌تر و با ثبات‌تر دیدیم» و «لیبرال‌ها (دولت موقت) که مدعی تخصص و کارشناس در امور مملکت بودند بدترین نوع مدیریت را در اداره مملکت به نمایش گذارند» و «دانشگاه... استادان و دانشجویان فعال می‌شوند و محیط فرهنگی جذابی را پایه‌گذاری می‌کنند» و «انسان‌های متدین اما ساده‌لوح هم دنبال حرف اینها را می‌گیرند و گاهی هم یک نماینده ساده‌لوح مجلس نیز ناآگاهانه کمک به آن جریان می‌کند» و «اینها در روی زمین آبروشان رفته است»

و یا سخنان مورخ ۶۳/۱۱/۲ ایشان خطاب به ستاد برگزاری مراسم دهه فجر «آن روز (قبل از انقلاب) مردم به نان بخور و نمیری اکتفا می‌کردند. پیشرفت‌های ما (بعد از انقلاب) در زمینه اقتصادی نیز غرور آفرین است» (کیهان ۶۳/۱۱/۳)

نسبت به این مطالب آمار و ارقام رسمی منتشر شده شش ساله گذشته کاملاً گویا و ملت ایران و احکم الحاکمین خود بهترین داور برای تشخیص و تصمیم این ادعاها هستند.

و همچنین از اینکه ایشان و همفکرانشان در این سخنان و در چند سال گذشته برخلاف دستور صریح قرآن «ولاتنا بزوا بالالاقاب - حجرات/۱۱» و اصول و میانی اخلاق اسلامی کسانی را که قاطبه ملت ایران و تصریح مکرر رهبر انقلاب در مسلمان و متدین بودن آنان شک و تردید ندارند برچسب «لیبرال» را که مربوط به فرهنگ غربی و مارکسیسم بوده و سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی توسط مارکسیست‌ها به ویژه حزب توده ایران علیه مسلمانان مبارز و تحصیل کرده جامعه ما به کار برده شده است، استفاده می‌نمایند و آب به آسیاب این دشمنان انقلاب اسلامی ریخته و می‌ریزند، نیز کاری نداریم (صفحات ۱۵ - ۲۴ نشریه نامه سرگشاده نهضت به سپاه پاسداران پیوست).

بالاخره به جنبه‌های شرعی شرایط و خصوصیات لازم برای امام جمعه، از جمله شرط عدالت که در کتب فقهی آمده است، نیز در اینجا اشاره‌ای نمی‌کنیم.



آنچه ما می‌خواهیم در این شکوائیه مطرح سازیم تا مقامات قضائی مورد رسیدگی و تعقیب قانونی قرار دهند خلاف‌گوئی‌ها و اتهامات ناروایی است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- «جریان‌های مختلف گروهک‌ها هر کدام برای خود در مقابل مردم ادعاهائی داشتند و خود را از شرکای مهم انقلاب می‌پنداشتند... بعدها معلوم شد که اینها همگی متکی به اجانب هستند... ملی‌گراها و لیبرال‌ها که طیف وسیعی بودند سر در آخور غرب داشتند»

با وجودیکه آقای هاشمی رفسنجانی در این بیانات صریحاً اشاره به شخص یا گروه خاصی نمی‌کنند اما همانطور که در بالا گفته شد با اشارات روشنی که در مجموع وجود دارد «نهضت آزادی ایران»، شخص آقای مهندس بازرگان و وزرای دولت موقت نیز مورد اتهام قرار می‌گیرند که «متکی به اجانب» و

«سر در آخور غرب» دارند اگر آقای هاشمی رفسنجانی مدارک و دلائل خود را مبنی بر صحت این ادعاهای واهی به مقامات قضائی ارائه ندهند - که هرگز نخواهند داد - اتهامات وارده افترا است و قابل تعقیب قانونی. (صفحات ۲۴ تا ۲۷ نشریه نامه سرگشاده نهضت به سپاه پاسداران پیوست).

۲- «در اولین کابینه آنها ما توانستیم دو پست غیرحساس را به آنها تحمیل کنیم».

این ادعا نه تنها خلاف واقع است بلکه همان طور که در کتاب مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب «و کتاب» شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان توضیح داده شده است برخلاف حقیقت می باشد زیرا که در چند مرحله دولت موقت کوشیده است مشارکت روحانیون شورای انقلاب را در هیئت دولت جلب نماید که سرانجام پس از امتناع مرحوم دکتر بهشتی از قبول مسئولیت اجرائی و با اصرار زیاد، آقایان هاشمی رفسنجانی در وزارت کشور و مرحوم دکتر باهنر در وزارت آموزش و پرورش و آقای سیدعلی خامنه‌ای در وزارت دفاع فقط به صورت معاون یا مشاور قبول مسئولیت و همکاری نمودند.

۳- اظهار اینکه «نهادهای جوشیده از بطن انقلاب از قبیل کمیته‌ها، دادگاه‌های انقلاب، جهاد سازندگی و سپاه... که دلسوزانه سرگرم جبران کمبودها بودند از نظر لیبرال‌ها دولت در دولت و انگل و غیره معرفی می‌شدند» این مطلب نیز تحریف واقعیت‌ها است. نهادهای سپاه و جهاد سازندگی توسط دولت موقت ایجاد و سازماندهی شده بعدها کسانی که قصد حاکمیت انحصاری داشتند به تدریج با بهانه‌های مختلف این نهادها را از دولت جدا ساختند. آقای مهندس بازرگان و دولت موقت نه تنها با این نهادها خصومتی نداشتند بلکه به مناسبت‌های مختلف از عملکرد آنان تقدیر و تشکر نیز نموده‌اند. آنچه آقای مهندس بازرگان گفته‌اند و مسئولین بعدی شدیدتر از آن را نیز تکرار کرده‌اند «مشکل تعدد مراکز قدرت» در مدیریت مملکت و ضایعات آن برای مملکت است لذا این بیان ایشان تحریف واقعیت‌ها و اشاعه اکاذیب می‌باشد.

۴- اظهار دیگر ایشان که «آنها تصمیم گرفتند که به هر نحو شده مجلس خبرگان را منحل کنند» نیز خلاف واقع و اشاعه اکاذیب می‌باشد (صفحات ۳۲-۳۸ نشریه برخورد با نهضت و پاسخ‌های ما که پیوست است)

۵- «در مجلس شورای اسلامی نیز شعار «کی باید برود» را مطرح کردند و سعی نمودند با نامشروع جلوه دادن مجلس آن را منحل نمایند». این ادعا نیز تحریف واقعیت‌ها و اشاعه اکاذیب است - یک نسخه از بیانیه «کی برود» نهضت آزادی پیوست می‌باشد.

۶- «خیانت‌های این لیبرال‌ها در کردستان همیشه در صفحات تاریخ خواهد ماند» این مطلب تحریف واقعیت‌ها، افترا، توهین و اشاعه اکاذیب است (صفحات ۲۳-۳۳ نشریه برخورد با نهضت و صفحات ۷۲-۷۸ نامه سرگشاده به سپاه پیوست)

۷- در مورد جریان برکناری مرحوم سپهبد قره‌نی و انتصاب آقای دکتر یونسی به سمت استانداری کردستان بیانات ایشان تحریف واقعیت‌ها و اشاعه اکاذیب می‌باشد.



با توجه به مراتب بالا اتهامات آقای هاشمی رفسنجانی منطبق با مواد قانونی زیر می‌باشد:

۱- ایشان اتهاماتی را نسبت داده‌اند که مشمول مبحث چهارم از قانون تعزیرات می‌باشد و همچنین

اتهاماتی که مشمول (جرائم بر ضد امنیت خارجی و داخلی مملکت) است نسبت داده‌اند که چون افترا می‌باشد مشمول مواد ۱۴۰ به بعد قانون تعزیرات بوده و تبصره ماده ۱۴۲ باید رعایت شود.

۲- بیانات ایشان موجب تحریک بعضی افراد خوش‌نیت ساده‌دل شده و قایعی از قبیل حوادث لیلله القدر سال ۱۳۶۱، ۶ آبان سال ۱۳۶۲ و ۲۸ صفر ۶۳ و اخیراً حادثه ۲۲ بهمن را به وجود می‌آورد که خود موجب اخلال نظم و امنیت داخلی شده و می‌شود لذا ایشان مرتکب این جرم نیز گردیده‌اند (بند ۶ ماده ۳۱۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش که قانون مذکور در قسمت صلاحیت و بعضی امور دیگر فسخ ضمنی شده ولی ماده مذکور معتبر است). ضمناً ماده ۱۹ لایحه مطبوعات مصوبه سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب نیز آن را دربرمی‌گیرد.

۳- بقیه مطالب ایشان که صریحاً انتساب اتهامی را دربرندارد، حداقل شامل توهین بوده و نه تنها مخالف دستور قرآن است بلکه ماده ۱۴۳ قانون تعزیرات آن را مجازات می‌کند که چون توسط مطبوعات این توهین نیز انجام گرفته است ماده ۲۴ قانون مطبوعات آن را دربرمی‌گیرد.

۴- آنچه جز افترا و توهین است متضمن تعدادی اکاذیب است که نشر آن موجب گول خوردن و انحرافات مردم بوده و نشر اکاذیب طبق ماده ۱۴۱ قانون تعزیرات مجازات می‌باشد.

۵- در آن قسمت از بیانات ایشان که متضمن اهانت و مطالب غیرانسانی و غیراسلامی بوده منطبق با ماده ۶ فرمان هشت ماده‌ای رهبر انقلاب می‌باشد که به صراحت مندرجات آخر این ماده جرم و مستحق تعزیر شرعی است.

با توجه به مراتب بالا و اهمیت ارتکاب این‌گونه جرائم توسط مقامات اصلی جمهوری اسلامی خواهشمند است دستور فرمائید براساس مقررات و قوانین جاری کشور رسیدگی و تعقیب قانونی معمول گردد.

با تشکر و امتنان
نهیضت آزادی ایران

رونوشت جهت استحضار و تعقیب قانونی به ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای مورخ ۶۱/۹/۲۴ ارسال می‌گردد.